



جشنواره موسیقی فجر دیروز چگونه گذشت؟

د یروز در چهل و یکمین جشنواره موسیقی فجر پنج اجرا در سالن‌های تهران برگزار شد.

سومین روز از چهل و یکمین جشنواره موسیقی فجر دیروز با پنج اجرا در تالار رودکی، خانه موسیقی تهران و اریکه ایرانیان برگزار شد که شامل اجرای عاشقیار، سرود نوید و شمیم رضوان، شب لرستان و اجرای پاپ سعید خوانساری و هوتن جوادی بود.

همچنین دومین روز از جشنواره چهل و یکم موسیقی فجر با اجراهای متنوعی همراه بود که از آن جمله می‌توان به اجرای زنده موسیقی بلوچی و هنرمندانی از کشور افغانستان اشاره کرد.

دومین روز از چهل و یکمین دوره جشنواره موسیقی فجر با اجرای موسیقی ویژه کودک و نوجوان در تالار سوره مهر حوزه هنری آغاز شد که طی آن کنسرتی با عنوان کودکانه روی صحنه رفت. این اجرا که به طور اختصاصی برای مخاطب کودک و نوجوان طراحی شده بود با استقبال دانش آموزان برخی مدارس تهران همراه بود.

در بخش بین‌الملل جشنواره نیز گروه موسیقی سلام افغانستان میهمان این دوره از جشنواره بود. موزیسین‌های افغانستانی در این برنامه که از ساعت ۱۵:۳۰ آغاز شد به اجرای بخش‌های متنوعی از بر توار موسیقی کشور خود پرداختند. تالار رودکی بعد از این اجرا میزبان بخش سرود جشنواره بود.

در بخش سرود که امسال به صورت ویژه و پررنگ در جشنواره موسیقی فجر گنجانده شده از ساعت ۱۸:۳۰ گروه سرود آفاق و ریحانه روی صحنه رفت و به اجرای قطعات آواز جمعی پرداخت.

در بخش موسیقی نواحی و اقوام ایرانی نیز گروه مسناگ پهره که یکی از گروه‌های اصیل موسیقی سیستان و بلوچستان محسوب می‌شود، در جشنواره موسیقی فجر به اجرای برنامه پرداخت. این گروه برنامه خود را در خانه تاره تأسیس موسیقی تهران برای علاقه‌مندان موسیقی سیستان و بلوچستان روی صحنه برد. در بخش پاپ جشنواره چهل‌و یکم موسیقی فجر نیز که با رویکرد معرفی چهره‌های جوان این ژانر تدارک دیده شده است، شب گذشته مرتضی سردمی و گروهش در فرهنگسرای بهمن و ماهور افشار در اریکه ایرانیان روی صحنه رفتند.

روز دوم جشنواره چهل و یکم موسیقی فجر در حالی برگزار شد که مدیران هنری چون مهدی شفیعی معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و بابک رضایی مدیر کل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مخاطب ویژه اجرای گروه موسیقی کودک و نوجوان و گروه سرود بودند.

چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر به دبیری آرش امینی توسط انجمن موسیقی ایران و با حمایت دفتر امور موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود.

نامه صالحی امیری به مجلس

حمایت کنید!

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در نامه‌ای به مجلس، با اشاره به تبعات اقتصادی حذف تعرفه حمایتی گاز، بر ضرورت حفظ حمایت‌های ساختاری از تأسیسات گر دشگری، صنایع دستی، آبدرمانی‌ها و هتل‌ها در لایحه بودجه تأکید کرد. سیدرضا صالحی امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، با ارسال نامه‌ای به رؤسای کمیسیون‌های برنامه و بودجه و فرهنگ مجلس شورای اسلامی و اعضای فراکسیون گردشگری، بر ضرورت حفظ حمایت‌های ساختاری از تأسیسات گردشگری، صنایع دستی، آبدرمانی‌ها و هتل‌ها در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ تأکید کرد.

صالحی امیری در این نامه با اشاره به تبعات حذف تبصره تعرفه گاز مصرفی این تأسیسات، هشدار داد این اقدام می‌تواند هزینه‌های پرهز میرداری را به‌طور قابل توجهی افزایش و جذابیت سرمایه‌گذاری در این بخش را کاهش دهد.

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی پیشنهاد کرد: همچون سال ۱۴۰۴ تعرفه گاز مصرفی تأسیسات گردشگری، صنایع دستی، آبدرمانی‌ها (با تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) و هتل‌ها در سقف الگوی مصرف، مشابه تعرفه خدمات محاسبه شود و در مناطقی که فاقد شبکه گاز هستند، تعرفه برق این تأسیسات برابر با تعرفه برق گردشگری مندرج در قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق لحاظ شود.

سینما

ندا الماسیان طهرانی

«دختر پری خانوم» از آن جنس فیلم‌هایی است که قبل از آنکه قماش را تعریف کند، حال‌وهوایش را به رخ می‌کشد؛ خانهای قدیمی، مادری که حال‌هاست در کماست، مردی میانسال که عمرش را صرف مراقبت کرده، و ناگهان «فرشته/ میناجی آرزوها» که وعده می‌دهد چیزی از گذشته بالاخره محقق می‌شود. خود ایده، بالقوه سینمایی است، چون بین دو نیرو می‌جنگد: میل کودکانه (پولدار شدن/عشق) و نیاز بالغ (فقط مادرم بیدار شود). این جنگ اگر درست دراماتیزه شود، می‌تواند یکی از نادرترین تجربه‌ها

در سینمای ایران باشد؛ فانتزی‌ای که نه برای فرار از واقعیت، بلکه برای فرورفتن در زخم واقعیت ساخته شده است. اما فیلم معتمدی (با آنکه جسارت ورود به ژانر فانتزی برای بزرگسالان دارد) در همین نقطه به دراهی می‌رسد، یا فانتزی را به «دستگاه کشف» بدل می‌کند تا شخصیت به حقیقت ناپسند سوگ برسد، یا فانتزی را به «بنگاهگاه توضیح» تبدیل می‌کند تا فیلم به جای روایت، حس‌وحال



روز نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سر دبیر: غلامرضا صدقیان
آدرس: تهران، خیابان بهیقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۶۶۶
توزیع: مؤسسه نشر گستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۵۲۲ | پنج‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۴ | ۲۳ شعبان ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۲:۱۹ | غروب آفتاب: ۱۷:۴۳ | مغرب: ۱۸:۰۲ | نیمه‌شب شرعی: ۲۲:۴۲ | اذان صبح فردا: ۵:۲۹ | طلوع آفتاب فردا: ۶:۵۴ |

«جوان» فیلم «خواب» را به کارگردانی مانی مقدم بررسی می‌کند

تحریف زندگی مذهبی به بهانه «خواب»!



مصطفی شاه کرمی

شاید اگر کسی این جمله کارگردان فیلم خواب را که در نشست خبری این اثر گفت «فیلم خواب علیه مذهب یا سبک زندگی دینی نیست»، پیش از دیدن فیلم می‌شنید، خودش را اراضی می‌کرد که احتمالاً باید منتظر باشد در فیلم «خواب» در حد یکی، دو سکانس یا دیالوگ درباره قشر مذهبی جامعه نقد یا طعنه ببیند؛ اما متأسفانه آنچه در فیلم دیده می‌شود این است که اولاً دال مرکزی فیلم شامل رفتارهای دگماتیک و اگرچه یک زوج مذهبی در مواجهه با اطرافیان و زندگی ناشویشی است. ثانیاً مقصر ریاکاری و گرفتار شدن در دام بیماری روحی ساسکولوژیک صرفاً سبک زندگی دینی و مذهبی طور دو کاراکتر اصلی فیلم، به خصوص مرد خانواده است؛ در واقع بر خلاف انکار نهاد خانواده کارگردان فیلم اولی این اثر، تنها رویاکاری و دروغویی که حتی منشأ بیماری روانی شخصیت مجتبی (یا یازی رضا عطاران) چیزی به جز انگاره مذهبی وجود و محدود شرعی که جلوی خوشگذرانی و به اصطلاح عشق و حال کردن او در گذشته به عنوان نمادی از افراد ظاهر المصلح را گرفته، نبوده و نیست. پس دلیل عدم کامیابی و عدم دستیابی به رؤیاهای شخصیت اصلی فیلم که از گذشته با او همراه شده، صرفاً دستورات و حدود شرعی است! نکته مهم دیگر در مورد این اثر لزوم درجه‌بندی سنی در اکران عمومی آن است، چه اینکه محتوای فیلم غیر از به اشتباه انداختن تماشاگر مباحثی را مطرح می‌کند که اصطلاحاً ۱۸+ هستند.

با مشکلاتی در زندگی زناشویی و واقعی‌اش دسته‌به‌دسته گریبان است. در واقع این فیلم با تمرکز بر تجربه‌های درونی و خواب‌های شخصیت اصلی داستان تلاش می‌کند جنبه‌های انسانی، اجتماعی و روانی زندگی او را با رگه‌هایی از طنز و البته نمادپردازی به تصویر بکشد.

اختلال شخصیتی

مجتبی، مردی میانسال است که با خواب‌های پیوسته و عجیب روبه‌رو می‌شود، او دچار اختلال خواب می‌شود و در خواب با زنی آشنا می‌شود که زندگی واقعی‌اش را دستخوش تغییر می‌کند. نوسان دارد؛ این خواب‌ها در واقع بازتابی از حالت سایکولوژیک او بین واقعیت و خیال نوسان دارند؛ این خواب‌ها در واقع بازتابی از نگرانی‌ها، آرزوها و تضادهای درونی‌اش است که از گذشته تا به حال ادامه دارد. در واقع شخصیت مجتبی رؤیای آرزوهای ناکامش را می‌بیند و کمبودهای او در خواب به سراغش می‌آیند. مانی مقدم، نویسنده‌ی پژمان تیمورتاش و تهیه‌کننده‌ی امیرحسین حیدری، نخستین اثر بلند سینمایی این کارگردان است که در نهمین روز جشنواره فیلم فجر برای اهالی رسانه اکران شد. داستان این فیلم پیرامون زندگی مردی به نام «مجتبی» (با بازی رضا عطاران) می‌گذرد؛ مردی که به سبب ناکامی‌های گذشته و برخی قیود شرعی دچار نوعی اختلال روانی شده که

حکایت

امام علی علیه السلام:

خصلت‌های والای انسانی،

جز با عفت و ابتار، کامل

نمی‌گردد.

غرر الحکم، ج ۶، ص ۳۹۶.

ح ۱۰۷۴۵



دیدگاه

قمار روایت در میدان جنگ نوین

هر چه روایت به میانه نزدیک می‌شود، انسجام در امراتیک دچار افت می‌گردد. پیرنگ، که بر ساختار کلاسیک تریلر استوار است، در پرده میانی به تکرار موقعیت‌ها می‌رسد و به‌جای تعمیق بحران یا شخصیت‌ها، بیشتر به بازگویی اطلاعات بسنده می‌کند. همین مسئله باعث می‌شود تعلیق، که موتور اصلی این ژانر است، به‌تدریج فرو کش شود.

کارگردانی فیلم نشان می‌دهد محسن بهاری با قواعد اولیه ژانر شناسنت و تلاش کرده فضایی سرزد کنترل شده و فنی خلق کند. با این حال، میزاسسن‌ها اغلب کار کردی باقی می‌مانند و

کمتر به زبان بصری مستقل تبدیلی می‌شوند. دوربین بیشتر ناظر رویدادهاست تا مفسر آن‌ها. فیلم در لحظاتی که بحران امنیتی به اوج می‌رسد، توان ایجاد تنش تصویری دارد، اما این لحظات پرانگیزند و به یک هویت بصری منسجم منتهی نمی‌شوند.

دئون در نیمه‌نخست، ضرابهنگ مناسبی دارد و برش‌ها در خدمت پیشبرد روایت‌اند. اما در نیمه دوم، طولانی‌شدن برخی صحنه‌ها و تأخیر در رسیدن به نقاط عطف، ریتم را دچار اختلال می‌کند. تریلر امنیتی بیش از هر ژانر دیگری وابسته به ریتم است و هر لغزش در این جدید تئوری‌های امنیتی ارائه می‌دهد، بزر بحران اعتماد

در حوزه شخصیت‌پردازی، تمرکز فیلم بیشتر بر بحران بیرونی است تا مسیر درونی شخصیت‌ها. مأمور امنیتی داستان، اگرچه

فیلم‌پرداختی پر تنش قرار دارد، اما مسیر روانی او به‌نداره کافی بسط نیافته‌ی می‌کند. مخاطب بیشتر با عملکرد حرفه‌ای او مواجه است تا با تردیدها، ترس‌ها یا تضادهای درونی‌اش. همین امر

باعث می‌شود ارتباط عاطفی با شخصیت‌ها محدود بماند و فیلم‌نماینده نیز طریقت‌انسانی ژانر به‌طور کامل استفاده کند.

بازی‌ها در مجموع کنترل‌شده و متناسب با فضای سرد فیلم‌اند. اثر کمک می‌کند و از آمین رحیمیان نیز تصویری قابل قبول از نسل جدید نیروهای امنیتی ارائه می‌دهد. با این حال، محدود

بودن عمق شخصیت‌ها باعث شده توان بازیگران برای خلق لایه‌های احساسی گسترده‌تر، بافعل نشود. در سطح روابط انسانی، «قمارباز» چنانی را ترسیم می‌کند که

در آن سوتلن، فاصله و روابط حرفه‌ای و پیوندهای عاطفی غلبه دارد. این نگاه با مضمون فیلم همخوان است، اما به دلیل پرداخت تشابیه‌ده، روابط به تحلیل اجتماعی عمیق‌تری منجر نمی‌شود. فیلم فرصت کمی به مخاطب می‌دهد تا به درون آدم‌ها نفوذ کند و این مسئله، به‌ویژه در ژانری که می‌تواند بزر بحران اعتماد و فروپاشی روابط تمرکز کند، یک فرصت از دست‌رفته است.

در مجموع، «قمارباز» تلاشی قابل احترام برای ورود به ژانری نسبتاً جدید در سینمای ایران است؛ ژانری که پرداختن به آن، جسارت و آگاهی از جهان معاصر را می‌طلبد.

نقد

گیس طعم گسی داشت

نبود شیمی مناسب بین کاراکتر قهرمان و نامزدش که یک مکان مشغول کار بودند، باورناپذیری چنین هیئت مدیره پتروشیمی استان که از جوانان کم سن وسال انتخاب شده بودند، مشخص نبودن سمت دقیق مأمور امنیتی با ایفای نقش تئیییکال و ضعیف از حامد بهداد، همه و همه از ویژگی‌های منفی این فیلم بود. عدم ثبات در فیلمنامه از شاهکارهای به یادماندنی در فجر امسال محسوب می‌شد. فیلمنامه که سه بار قهرمانش را به وسیله قتل تغییر داد و در نهایت هم مأمور امنیتی که خلقیات بسیار تندی با معترضان به کار و معیشت خود داشتند، بروز داد، به یک باره و رادیکال‌تر از معترضان نجات‌دهنده کار خانه و معیشت

کار گرانش شده همین قدر بی‌منطق و همین قدر تقلیل‌گرا! ذهن سازنده در یک فرهنگ منجی‌گرای غیربویا محاصره شده و نمی‌تواند جامعه بسازد. دوربین کارگردان مستأصل‌تر از آنی است که به میان مردم و دغدغه‌های‌شان برود. او نمادی از مراسم غزا و عروسی و همچنین نحوه صحبت کردن مردم آن مناطق را یک می‌کشید و برای آن نیز برنامه‌ای نداشت. در نهایت هم به حداقلی‌ترین شیوه ممکن تمامی این تفسیرها منوجه جاهلطبی است که در آن زمان کار تل‌تل‌های اقتصادی و آبادی آنان در فیلم یک زن جدای اینکه کج‌سلیقه‌ی در یک امر سینمایی محسوب

می‌شود، شبیه پروژه‌هایی است که صاحبان کار تل‌تل‌های اقتصادی برون‌سپاری می‌کنند. تیپیکال بودن شخصیت‌های فرعی نیز مزید بر علت باورناپذیری کاراکترها بود. در این فیلم ما با مکتی غیرواقعی از یک جامعه رویه‌رو بودیم که هیچ‌مابه‌ازایی نداشت و به هدف نهایی خود نیز پایبند نشد.



شیمایلهامی‌راد

داستان گیس در خصوص کارخانه‌ای بود که با یک به‌ظواهرایکاری در معرض تعطیلی قرار گرفت و قرار است به جای خارجی‌ها، از داخل کشور این کارخانه نجات یابد. داستان یک خطی فیلم کاملاً تیپیکال و مانند نمونه‌های دیگری از انواع خود‌با درونمایه‌های حمایت از تولیدملی بود. فیلم با نمایش از اعتراض کارگران به وضعیت کار و معیشت‌شان حین ورود نماینده مجلس به استان آغاز شد.

نامستلگی از ابتدای فیلم آغاز می‌شود؛ وقتی می‌فهمیم سردسته کارگران خود هیچ مشکل کاری ندارد و صرفاً به خاطر دواستان خود آمده است. چرا سردسته معترضان نباید نماینده‌ای از افرادی باشد که خود مورد ظلم کاری قرار گرفته است؟ جدای ضعف فیلم در این موضوع نشان می‌دهد جامعه ترسیم شده منفعل و قییم‌باب است. چنین جامعه‌ای که حاضر نیست برای خود کاری کند هیچ گاه سامان نمی‌یابد و صرفاً با مخدرهایی موقت و گذرا از حالت بحرانی به حالت بدون بحران تغییر فاز می‌دهد. چنین نقش‌ها در فیلم هم باورپذیری پایینی داشت.